

# بررسی عوامل موثر بر سبک پوشش بانوان ایران در قرن ۱۴ هجری شمسی با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری MADM

دل آرام علی آبادی زاده، سیامک ناظمی\*

دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Nazemi.textile@gmail.com

## چکیده

این مقاله، عواملی که بیشترین تأثیر را بر پوشش بانوان ایران در طی قرن ۱۴ هجری شمسی داشته، مورد بررسی قرار داده و با تکنیک تصمیم‌گیری MADM آن عوامل را اولویت بندی کرده است. این پژوهش به روش اسنادی گردآوری شده است و با کمک عکس‌ها و فیلم‌های قدیمی و بررسی لباس در آن‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در مراحل ابتدای پژوهش، عوامل مهم و تأثیرگذار بر پوشش افراد این دوره با محوریت پوشش بانوان مشخص گردید. سپس، پرسش‌نامه‌ای در رابطه با مواردی که بیشترین تأثیرات را بر تغییرات گروهی پوشش بانوان داشته است، تهیه گردید و این پرسش‌نامه در اختیار افراد متخصص در حوزه طراحی لباس قرار داده شد. سپس، اطلاعات جمع‌آوری شده، توسط تکنیک تصمیم‌گیری MADM به روش Topsis Fuzzy با هدف اولویت بندی این موارد تحلیل شد. مشخص گردید، رویداد انقلاب اسلامی بیشترین تأثیرگذاری را بر پوشش بانوان ایرانی در انتهای قرن ۱۴ هجری شمسی داشته است و پوشاک ترکیبی از فرهنگ و تاریخ ایرانی و مد روز دنیا طراحی و استفاده شده است.

**کلید واژه:** پوشش بانوان ایران، اولویت‌بندی، انقلاب اسلامی ایران، تغییرات پوششی، تکنیک تصمیم‌گیری MADM

## Investigation of factors affecting the clothing style of Iranian women in the 14<sup>th</sup> AH century using the MADM decision making technique

Delaram Aliabadizadeh, Siamak Nazemi\*

Faculty of Art and Architecture, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Nazemi.textile@gmail.com

## Abstract

This paper studies the factors that had the greatest impact on the Iranian women's clothing during the 14<sup>th</sup> century AH and prioritizing those factors with the MADM decision-making technique. This research has been done by collecting documents and using old photos and videos and subtilizing clothes in them in a descriptive-analytical method. At first steps of this research, the important and influential factors on the people's clothing especially women in this period were identified. After that, a questionnaire was prepared concerning these cases and sent to experts in the field of cloth designing. Then, the collected information was analyzed by the MADM decision technique using fuzzy TOPSIS method to prioritize these cases. It was found that the Islamic revolution had the greatest impact on Iranian women's clothing at the end of the 14th century AH. The clothes were designed and used with a combination of Iranian culture, history, and fashion in the world.

**Key word:** Iranian women's clothes, Prioritizing, Republic of Iran, Clothes changes, MADM decision-making technique

## ۱- مقدمه

در آن عرصه شود و به محققین و تولید کنندگان در این حوزه کمک می‌نماید که نگاهی گسترده و بارزتری نسبت به مسائل داشته باشند.

لباس پدیده ایی است که نشأت گرفته از تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می‌باشد و کشور ایران در طول تاریخ دچار تغییرات گسترده‌ای در این زمینه شده است بررسی این عوامل باعث خواهد شد که در آینده تصمیمات دقیق و کارشناسی در این حوزه گرفته شود. در قرن چهارده شمس که یکی از پر حوادث ترین دوران تاریخی ایران می‌باشد، پدیده لباس را نیز دچار تغییرات گسترده ایی در این زمان کرده است که بررسی ابعادهای گوناگون آن باعث گردآوری اطلاعات کامل و دقیق تری در این حوزه خواهد شد.

نظام‌های حکومتی در ایران به ویژه در دوره های متأخر، به پوشاک زنان اهمیت بیشتری داده‌اند، زیرا انسان را پاسخ فرهنگی و طبیعی پوشاک، به مثابه چیزی که پوشاننده ی تن است، دو نیاز مهم می‌دهد. این، کارکرد فرهنگی پوشاک است که منجر به ایجاد یک نظام ارتباطی فرهنگی می شود، نظامی که رمزگشایی از آن، مستلزم شناخت نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی جوامع است.

لباس از نشانه های مهم هویت فرهنگی جوامع است که شامل آئین‌ها و سنت‌های عام، جشن‌ها و اعیاد، ارزش‌های سنتی، پوشاک و طرز پوشش، معماری بناها و مکان‌ها، رسوم، عرف و هنرهای ملی و بومی هستند [۳]. از طرفی کارکرد لباس را در ساخت هویت اجتماعی، همسان کردن

سبک لباس و پوشش مردم در ایران از گذشته تا به امروز دچار تغییرات بسیاری شده همچون کشورهای دیگر و آنچه که در تاریخ تمام کشورها مبرهن است این تغییرات جدایی ناپذیر از تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است زیرا که از عوامل بسیار تاثیرگذار بر آن است [۱].

لباس و پوشاک زنان ایرانی به مثابه یکی از مظاهر فرهنگی ایران، با توجه به موازین دینی قابل مطالعه است، زیرا دین اسلام از مهم‌ترین عناصر نظام بخش فرهنگ ایرانی پس از دوران باستان شناخته می‌شود. گرچه جامعه‌ی ایران در بردارنده‌ی ادیان و نیز مذاهب گوناگون است، اما اسلام و مذهب تشیع مهم‌ترین عامل دینی تأثیرگذار بر پوشاک زنان این سرزمین بوده است. در کنار عنصر فرهنگی دین، عنصر قدرت و چگونگی ورود حکومت‌ها در هر دوره‌ی تاریخی به مسأله‌ی پوشاک زنان نیز اهمیت دارد، زیرا ورود یا عدم ورود نظام قدرت به این مسأله، بر نوع پوشاک زنان ایرانی بسیار تأثیرگذار است.

تأثیر اوضاع سیاسی و حکومتی بر نگرش‌ها به فرهنگ پوشاک زنان در نظام‌ها و خرده نظام‌های اجتماعی و فرهنگی در ادوار گوناگون، امری قابل اعتناء است. تغییرات فرهنگی جوامع از جمله تغییر در نوع پوشاک که بارزترین نشان و نماد فرهنگی یک جامعه است، به شدت تحت تأثیر گفتمان حکومت‌های گوناگون و ایدئولوژی آن‌ها است [۲].

تاریخ هر کشور و بررسی اتفاقات تاریخی آن در حوزه‌ی لباس می‌تواند راه گشایی برای دستیابی به ایده‌های نوین

آن در ساخت هویت فردی انسان دانسته‌اند: در بسیاری از فرهنگ‌های پیشامدرن و غیره سر و لباس در درجه اول، هویت اجتماعی و نه هویت فردی را مشخص می‌ساخت. امروزه نیز به طور یقین، لباس و هویت اجتماعی کاملاً باهم بی‌ارتباط نیستند و لباس همچنان یک تمهید دلالت‌کننده است که جنسیت، موقعیت طبقاتی و منزلت حرفه‌ای را نشان می‌دهد [۴].

قرن چهاردهم به پایان رسیده است و تغییرات در سبک پوشش از گذشته‌ی دور مورد بررسی قرار گرفته بوده و تا حدود زمان پهلوی مکتوب شده است اما سبک لباس‌ها در دوره‌ی پهلوی به تنهایی و بعد از آن، به خوبی مورد بررسی قرار نگرفته است و همچنین برای بررسی زمان معاصر باید از ابتدای قرن چهاردهم شروع کرده که با انتهای دوره‌ی قاجار و آغاز دوره‌ی پهلوی شروع شده است. تغییرات اساسی و ابتدایی از اواخر دوران قاجار شروع شده است.

## ۲- تاریخچه پوشش ایران معاصر

این پژوهش به این دلیل آغاز شده که به بررسی پوشش بانوان بعد از دوره‌ی قاجار که شامل پهلوی اول و دوم و همچنین جمهوری اسلامی است و از آن‌ها اطلاعاتی در کتاب‌ها به صورت مکتوب یافت نمی‌شود بپردازد و این پژوهش قصد داشته تا حد امکان اطلاعاتی را در این حوزه جمع‌آوری کند تا در آینده مورد استفاده افراد که به این حوزه علاقه داشته و در آن تحصیل می‌کنند کمک کند.

تغییرات ابتدایی از اواخر دوران قاجار در زمان ناصرالدین شاه قاجار شروع شده است [۵] و یکی از تغییرات اساسی در زمان رضا پهلوی و ابتدا با ایجاد تغییرات در لباس مردان

شروع شد [۶] و سپس این تغییرات را در تمامی کشور با تصویب آن به صورت قانون به اجرا در آورده و از آن پس فصل دیگری از سبک لباس‌ها شروع شد که با تقلید از کشورهای اروپایی بوده [۷].

سوالاتی که در این پژوهش تلاش می‌شود به آن‌ها پاسخ داده شود: ۱. شروع تغییرات اساسی در پوشش در قرن ۱۴ از چه زمانی بوده است؟ ۲. آغاز تغییرات لباس بانوان در قرن ۱۴ به چه شکل صورت گرفت؟ ۳. انواع سبک‌های پوشش بانوان در قرن ۱۴ به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ ۴. کدام یک از وقایع تاریخی بیشترین تاثیر را بر تغییر پوشاک بانوان داشته است؟ (با ارایه الویت‌بندی وقایع)

مهرآسا غیبی در کتاب هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام، سال ۱۳۸۵ ایشان به بررسی و گردآوری همه جانبه‌ی اطلاعات درباره‌ی سبک و نوع لباس مردم ایران از گذشته تا زمان قاجار پرداخته‌اند اما سبک لباس در دوره معاصر در این اثر مشاهده نمی‌شود [۸].

روت ترنر ویل کاکس در کتاب تاریخ لباس، چاپ هفتم سال ۱۳۹۶ به بررسی پنج هزار سال تاریخ پوشاک زنان و مردان جهان پرداخته شده است و قسمت کوچکی از این کتاب به گذشته ایران از سال ۵۵۰ ق.م تا جنگ‌های صلیبی برمی‌گردد [۹].

رضا نیازمند در کتاب رضا شاه از تولد تا سلطنت، چاپ ششم سال ۱۳۸۷ و همچنین پرواند آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب، چاپ نوزدهم ۱۳۹۵ به بررسی، تجزیه و تحلیل اتفاقات تاریخی ایران پرداخته شده است [۱۰ و ۱۱].

پروین رستمی و همکاران در مقاله‌ی اجتماعی شدن زنان در عصر پهلوی اول، امکان یا امتناع، در سال ۱۳۹۸ به موضوع اصلاحات عصر وی و تلاش ایشان برای ایجاد پاره‌ای از تغییرات اجتماعی بر اساس الگوی جوامع غربی انجام داده‌اند پرداخته شده است که یکی از این اقدامات، تغییر سبک زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان بود که از مظاهر مدرن سازی حکومت تلقی می‌شد که عامل حضور زنان در جامعه شد و همچنین بانوان توانستند به تحصیل بپردازند البته عواملی نیز باعث شد بود که تمامی زنان نتوانند به تحصیل بپردازند، که به طور مفصلی در این مقاله به این گونه موضوعات پرداخته شده است [۱۲].

منظر محمدی و همکاران در مقاله‌ی لباس متحدالشکل: بازنمایی قدرت و مدرنیته (دوران پهلوی اول)، در سال ۱۳۹۷ به بررسی دولت پهلوی اول که به موازات تأسیس نهادهای نظامی، اداری و آموزشی مدرن، نظام پوشاک متحدالشکل یا همان یونیفورم را در ابعاد گسترده برای مردان و تا حدودی زنان اعمال کردند که باعث شد و نتایج تغییرات و تاثیرات در جامعه گذاشته پرداخته شده است [۱۳].

در دوره قاجار پوشش بانوان در زمان قاجار به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- پوشش اندرونی: شامل پیراهن، شلیته (تنبان)، ارخالق، کلیجه، پوشش سر و زیورات و ۲- پوشش بیرونی: چادر، چاقچور و روبنده [۱۴].

همزمان با دوره‌ی فتحعلی شاه و جنگ میان ایران و روسیه، روند تغییر در پوشاک نظامی به عنوان اولین تغییر در پوشاک ایرانیان آغاز شد و سفر پادشاهان به خارج به

اروپا یکی از عوامل تاثیر گذار بوده است [۱۵]. پس از آن اعزام دانشجویان به خارج از ایران موجب تغییرات بیشتری در عرصه‌ی غیر نظامی در پوشاک عده‌ای از ایرانیان شد. در واقع، تا قبل از سفرهای ناصرالدین شاه تغییراتی در لباس شماری از ایرانیان رخ داده اما بدنه‌ی جامعه از این تغییرات دور بوده و جز قشون نظامی، فقط برخی نخبگان سیاسی و دانشجویان فرنگ رفته بر اثر آشنایی با سبک زندگی غربی علاقمند به استفاده غربیان شدند، اما مردم عادی همچنان لباس‌های قومی و سنتی خویش را می‌پوشیدند [۱۶].

در زمان ناصرالدین شاه و سفرهای ایشان به خارج از ایران و آشنا شدن با پوشش بانوان آنجا و پوشش آنان را برای دربار خود به اجرا درآورد. ایشان پس از سفرشان به روسیه و مشاهده‌ی بالرین‌ها که شلوار بافته‌ی چسبان و نازکی به پا می‌کردند و دامن‌های بسیار کوتاهی به اندازه یک وجب روی آن می‌پوشیدند، شاه را بر آن داشت که بانوان حرم خود را به پوشیدن این نوع لباس تشویق کند. او زنان حرمسرا را واداشت تا شلیته‌های کوتاه بپوشند و سر و موی خود را نیز با روسری‌های سفید ساده بپوشانند. سلیقه شاه اندک و آرام از درون حرمسرا به بیرون سرایت کرد و بسیاری از زنان و دختران خواص نیز به آن گرویدند [۱۷].

در دوره پهلوی آخرین پادشاه سلسله‌ی قاجار احمد شاه بوده که از سلطنت خلع شده و بعد از ایشان رضا پهلوی در ۴ آذر ۱۳۰۴ به پادشاهی رسیده که پایه‌گذار سلسله‌ی پهلوی بوده‌اند ایشان در زمان جنگ جهانی دوم از پادشاهی کناره‌گیری کردند و پسرشان در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به

سلطنت رسیدند. دودمان پهلوی به مدت ۵۳ سال بر ایران حکومت نمودند.

مانند تمام جوامع پیشامدرن ایران، پوشش ایرانیان نیز دارای ویژگی‌های خاص خودش بوده است. مناطق، قبایل، گروه‌های مذهبی و طبقات اجتماعی مختلف هر کدام ویژگی‌های خاص پوششی خود را دارا بودند.

همچنین در پهلوی اول رضا شاه (آغاز تغییرات پوششی در زمان رضا شاه) نخستین اقدام رضا شاه در همانندسازی ظاهر مردم و هماهنگ کردن آن‌ها با روال معمول اروپا در شهریور ۱۳۰۶ انجام شد. دولت ایران تصمیم گرفت کلاه پهلوی که مشابه کلاه کپی فرانسوی بود، به جای کلاه رسمی مردان رواج دهد [۱] کلاه پهلوی از پوست مشکی تهیه شده و بند روی آن از چرم براق بوده است و پارچه سقف کلاه از ماهوت سیاه بوده است، دور سقف کلاه مغزی طلایی داشت و نشان شیر خورشید روی آن نصب شده بود. طرح اولیه کلاه از عبدالحسین میرزا فرمانفرما بوده است که رضا شاه به آن لبه اضافه کرده بودند. بعد از مدتی استفاده از این کلاه به صورت قانون در آمده. برخی علما مخالفت‌هایی با این کلاه داشته به علت لبه داشتن آن زیرا مانع از تماس پیشانی با خاک هنگام سجود می‌شد. برخی از علما در اعتراض به آن در قم بست نشستند و بازارها نیز در اعتراض به این کلاه تعطیل شد اما واکنش دولت این بود که با ترکیبی از امتیاز و سرکوب اوضاع را به کنترل درآورده و چند ماه بعد تمام پوشاک مردان را هم تغییر داد [۱۶و۷].

در سال ۱۳۰۴ ه.ش قانونی تصویب شد که زمینه اتحاد شکل پوشاک را در بخش‌های گسترده‌تری از جامعه فراهم می‌کرد. قانون خدمت اجباری سربازان را ملزم به پوشیدن یونیفورم سربازی می‌کرد [۱۸]. با اجرای این قانون، آموزش‌های مدرن جسمانی مطابق با نظام انضباطی سربازخانه‌های اروپایی به طور رسمی آغاز شد، که گسترش آن در روند متحدالشکل ساختن ظاهر مردان ایرانی نقش بسزایی داشت، چرا که اکنون بخش‌های وسیعی از جمعیت مردان به خدمت نظام در می‌آمدند، و با هر پیشینه جغرافیایی و فرهنگی، آداب نوین پوشاکی و استانداردهای نوین انضباط و بهداشت جسمانی را می‌آموختند [۱۶].

رضا شاه همزمان با اتحاد ظاهری لباس نظام، منزلت آن را نیز افزایش داد. از نمونه‌های گویای این منزلت نوین این بود که در زمان تاسیس دانشکده افسری، افسران فرانسوی را که برای تدریس در این دانشکده از آنان دعوت شده بود موظف کرد لباس نظام ایران را بپوشند، به نظم و ترتیب ارتش ایران احترام گزارده و همانگونه که افسران ایرانی در برخورد به مافوق رفتار می‌نمایند آنان نیز همان رویه را انتخاب کنند. به این ترتیب، خدمت سربازی ریختار یونیفورم را تا حدی از محدوده پوشاک نظامی وارد نظام پوشاک شهروندی کرد، و نوعی زیباشناسی پوشاکی بسیار مدرن و بی‌سابقه را به کوچکترین و منزوی‌ترین شهرها و روستاهای ایران برد. به موازات نهادهای نظامی، سایر نهادهای دولتی جدید نیز ملزم به کار بست پوشاک متحدالشکل شدند. از سال ۱۳۰۶ ه.ش، تصویب‌نامه‌هایی درباره آموزش عمومی، اجباری و رایگان، همچنین تأسیس

نظام آموزش دولتی وضع شد که به موجب آن برای دانش‌آموزان و نیز معلمان مدارس لباس متحدالشکل در نظر گرفته شد [۱۳].

از آغاز سال ۱۳۱۳، دختران دانش‌آموز اجازه نداشتند در مدارس از چادر استفاده کنند و مقرر شد همه روپوش ارمک بر تن کنند و برای دختران پیشاهنگ، لباس مخصوصی توسط گیسون آمریکایی متخصص تربیت بدنی تهیه شد. همچنین از آغاز سال ۱۳۱۴ دخترانی که به خارج سفر میکردند و لباس اروپایی می‌پوشیدند این مزیت را یافتند که در صورتی که واجد شرایط علمی باشند در دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات و علوم پذیرفته شوند [۲].

مدل پسرانه یونیفورم دانش‌آموزان، کت و شلوار و کلاه پهلوی یا در برخی مدارس یونیفورمی شبه نظامی بود، یعنی مدلی کوچک از لباس شهروندی یا نظامی مردان بزرگسال بود، برای دختران نیز پیراهن یا روپوش آستین بلندی تا میانه ساق پا، از جنس پارچه نخی ساده و خاکستری رنگی به نام ارمک در نظر گرفته شده بود که کمر بند و یقه سفید داشت و تا زیر گردن دکمه می‌خورد. دولت پهلوی اول در باب ضرورت استفاده یونیفورم در مدارس بسیار سختگیر بود، نه تنها دانش‌آموزان بلکه معلمان نیز ملزم به پوشیدن لباس یک شکل بودند. هدف از اعمال این رویه در مدارس به روشنی از بخشنامه‌های رسمی وزارت معارف هویداست: بلااستثنا دختران دبستان‌ها و دبیرستان‌ها لباس متحدالشکل که دستور آن داده شده مرتب بپوشند، به طوری که دختران اغنیا را بر فقرا هیچگونه مجال تفاخر و خودفروشی نماند و همه به سادگی و نظافت و پاکیزگی

عادت و خو نمایند. در مدرسه و خانه و کوچه و همه جا با همان لباس، که از روی کمال حجب و حیا و منتهای سلیقه انتخاب شده است، حرکت نمایند. از این بخشنامه معلوم می‌شود که دولت تأکید داشت در یونیفورم مدارس علاوه بر وجه زیباشناختی، مقتضیات عرفی نیز در باب حجب و حیای دختران رعایت شود، و دست کم به لحاظ نظری، نوعی یکسانی اجتماعی و عدم نمایش تکرر طبقاتی رواج یابد. در واقع هدف از تشویق به پوشیدن این لباس در تمامی اوقات و در همه جا این بود که آداب ملازم آن از کودکی به بخشی از هویت دانش‌آموز بدل گردد. مدرسه اولین مرحله اجتماعی شدن افراد پس از ترک خانواده و ورود به جهان بیرونی است و به همین دلیل بهترین مکان برای القای هنجارها و ارزش‌های پنهان و آشکار اجتماعی به ذهن افراد است [۱۳].

یونیفورم مدارس قرار بود نقش مهمی در پروژه‌های سیاسی دولت پهلوی ایفا کند. در مکتب‌خانه‌های قدیم، کودکان در میان جماعتی که تفاوت گذاری‌هایشان چندان مهم نبود رها می‌شدند، در ساختاری پرازدحام و ناآرام که بیشتر مکانی برای گذران اوقات کودک در طول روز بود تا آموزش نظام‌مند وی اما در مدارس نوین، همانند ارتش، فرد در نظام شبکه‌بندی تاکتیکی دقیقی جای داده می‌شد که تک‌تک افراد آن قابل رؤیت، نظارت و تربیت بودند. مدرسه اولین فاز متحدالشکل شدن شهروندان در دوران پهلوی بود که شباهت بسیاری با نهادهای نظامی داشت. در زمان رضاشاه حتی تعلیمات نظامی نیز جزء برنامه‌های اجباری آموزشی

در دبیرستان‌ها بود و این مصداق گویایی از ایدئولوژی دولت رضاشاهی بود که در لباس مجسم می‌شد [۱۳ و ۱۶].

گسترده‌ترین اقدام نظام‌مند دولت پهلوی در فرایند اعمال لباس متحدالشکل، تغییر رسمی و دستوری لباس سنتی به کت و شلوار و کلاه متحدالشکل پهلوی برای تمام مردان ایران در دی‌ماه سال ۱۳۰۷ ه.ش بود. این قانون هشت طبقه از درجات مختلف روحانیون مسلمان و غیر مسلمان را مستثنا کرده بود، و در صورت عدم اجرا، خاطیان به جزای نقدی یا حبس محکوم می‌شدند. عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار وقت و محمدعلی فروغی نخست‌وزیر وقت از نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران عمده این طرح بودند [۷].

قانون لباس متحدالشکل حاوی قانون یونیفورم مشاغل و ادارات نیز بود. در ماده اول این قانون ذکر شده بود کلیه اتباع ذکور ایران که برحسب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص هستند، در داخله مملکت مکلف هستند که ملبس به لباس اتحادالشکل بشوند و کلیه مستخدمین دولت، اعم از قضایی و اداری، مکلف هستند در موقع اشتغال به کار دولتی به لباس مخصوص قضایی یا اداری ملبس شوند. در غیر آن موقع باید به لباس متحدالشکل ملبس گردند. در نتیجه مدیران ارشد همه مشاغل دولتی برای ادارات زیردست خود یونیفورم ویژه در نظر گرفتند. به نظر می‌رسد اعمال یونیفورم برای مشاغل رسمی، یکی از ارکان اصلاحات اداری رضاشاه بود، یونیفورم نشان از شأن و موقعیت رسمی افراد داشت، سلسله مراتب اداری را شفاف می‌کرد و نشان می‌داد هر کسی چه منصب و مهارت و اختیاراتی دارد. همچنین سبب می‌شد کارکنان رسمی در

مواجهه با مردم از اقتدار و احترام برخوردار شوند، و در عین حال خدمتگزار مردم و دولت معرفی شوند. و البته ناگفته نماند که مهمترین کارکرد یونیفورم تربیت درونی افراد ملبس بدان بود، به عبارتی درونی‌سازی انضباط و تعهد در کارگزاران دولت و تحکیم وفاداری‌شان به آن شکل می‌داد [۱۳].

اعمال یونیفورم برای زنان نیز، همچون مردان، ابزاری برای کسب وجاهت اجتماعی به مثابه شهروند ملت نوین ایرانی و بازنمایی آنان بدین صورت بود. در عکس‌های این دوره زنانی را در لباس متحدالشکل مدارس، یونیفورم پیشاهنگی، لباس مشاغل خدمات پزشکی و بهداشتی و... می‌بینیم که تضاد شدیدی با زنان عهد قاجار در لباس‌های‌شان دارد. یکی از نمونه‌های قابل توجه نهادهای تربیتی نوین سازمان پیشاهنگی بود که آشکارا و حتی بیش از مدارس، ایماژی شبه نظامی داشت، و انگاره آن در تمام جهان با پسران و دختران جوان یونیفورم پوش مجسم می‌شد. سازمان پیشاهنگی در ایران در سال ۱۳۰۴ ه.ش تصویب شد، اما فعالیت واقعی آن از سال ۱۳۱۳ ه.ش آغاز گشت. رضاشاه در سفر ترکیه، در مراسم ارتش، دیده بود که پیشاهنگ‌ها و محصلین دختر و پسر یونیفورم پوش با انضباطی نظامی‌وار و باشکوه رژه می‌روند. این صحنه‌ها نظر وی را بسیار جلب کرده بود. به همین دلیل سازمان پیشاهنگی از این زمان بسیار جدی گرفته شد. این سازمان بخش‌های گوناگون و مناصب و درجاتی با نام‌های ویژه و یونیفورم‌های ویژه برای پسران و دختران داشت. پیشاهنگان هر ساله مراسم رژه نظامی اجرا می‌کردند، برحسب مرتبه و منصب یونیفورم‌های

یکدست می‌پوشیدند، و آموزش‌هایی می‌دیدند که بنا بود از آنان شهروندانی سالم، منضبط، تعلیم دیده و متعهد بسازد [۱۶و۱۳].

نهادهایی نظیر پیشاهنگی برای القای ریختارهای مطلوب خود به زنان بهره می‌برد. چنان که اسناد دولتی آشکارا نشان می‌دهند، پیشاهنگی یکی از شیوه‌های اعمال طرح کشف حجاب و القای نظام پوشاک نوین به زنان، خصوصاً در شهرستان‌ها، بود. به راستی هم یونیفورم بهترین شکل لباس بود که می‌توانست تا حد ممکن از حساسیت‌ها نسبت به فرایند تغییر پوشاک زنان بکاهد. لباسی بود تا حد ممکن غیر بازنمایانه، رنگ آن خنثی، بالاتنه‌اش پوشیده و دامن و آستین‌هایش بلند بود [۱۲و۱۳].

تا سال ۱۳۱۴ ه.ش کلاه پهلوی با فشار دولت مرسوم شده اما پس از سفر رضا شاه به ترکیه وی دستور داد تا کلاه تمام لبه یا شاپو به جای کلاه پهلوی استفاده شود. در ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۴ ه.ش کلاه شاپو به فرمان دولت اجباری شد. به همه کارکنان دولتی دستور داده شد کلاه جدید را بر سر گذارند در غیر این صورت به مرخصی بدون حقوق فرستاده خواهند شد [۱۶و۱۹].

قصد رضا شاه در تغییر کلاه سنتی این بود که ایرانیان مانند اروپاییان لباس بیوشند و کلاه به سر بگذارند. حتی به منظور رعایت آداب استفاده از کلاه به رسم اروپایی، وزارت داخله قانونی تصویب کرد به اجرا درآورد پس از آن نیز قانون دیگری تصویب رسید که استفاده از کلاه بین‌المللی را برای ماموران دولتی اجباری می‌کرد [۱۹].

در روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ ه.ش در عمارت دانشسرای عالی تهران با حضور شاه و خانواده‌اش جشنی برپا شد تا دیپلم فارغ‌التحصیلان به آن‌ها اعطا شود. در این مراسم روسای مدارس، همسران صاحب منصبان عالی رتبه و همسر و دختران شاه بدون حجاب ظاهر شدند و عملاً دستور رفع حجاب را صادر کردند و این روز را به نام روز آزادی زن و کشف حجاب نام گذاری شد [۱۶].

پس از اعلام رسمیت کشف حجاب، دولت اقداماتی انجام داد و دستورالعمل‌هایی را به والیان و حاکمان استان‌ها و شهرها ابلاغ کرد تا کشف حجاب تداوم و گسترش یابد. برگزاری مراسم و جشن‌ها به مناسبت و بدون مناسبت در برنامه‌ی کاری والیان، حاکمان، مدارس و... قرار گرفت. حاکمان برخی از شهرها به بهانه‌های گوناگون مجلس ترتیب می‌داند و از مردم با بانوان خود بدون حجاب در این مجالس حضور یابند. کارمندان دولت ملزم می‌شدند همراه خانم‌هایشان بدون حجاب در خیابان‌ها قدم بزنند تا سرمشق دیگران باشند. از سوی دیگر در اقدامی خشن در سراسر کشور، حجاب زنان شامل چادر و چاقچور و روبنده از سر آنان به زور برداشته می‌شد در این میان زنانی که حاضر به کشف حجاب نشده بودند، برای به دور ماندن از این اقدامات خانه‌نشین شدند. آمارها نشان می‌دهد در این سال‌ها تعداد زیادی حمام در خانه‌ها ساخته شد تا زنان نیازی به بیرون رفتن از خانه نداشته باشند [۱۶و۲۰].

پس از ۱۷ دی ۱۳۱۴ که روز آزادی زن و روز مادر نام گرفت، انواع روزنامه‌ها و مجلات مزون‌های اروپایی به درون خانواده‌ها راه یافت و آن دسته از دختران و زنانی که به طور



کامل کشف حجاب را پذیرفته بودند، از لباس‌های مد روز تقلید می‌کردند و طبق مدهای فرانسوی و اروپایی، تغییراتی در رنگ و شکل لباس خود انجام می‌دادند. نخستین نوع از لباس اروپایی زنان شامل میدی یا لباس یک تکه که بلندی آن تا زیر زانو بود و فاقد برش در کمر بود که به دو نوع جلو باز و جلو بسته مشاهده می‌شد. در هر دو نوع آن کمربند نازکی از جنس پارچه‌ی لباس روی کمر بسته می‌شد و یقه‌ی لباس‌ها در جلو بسته و گرد به صورت یقه هفت کوچک یا کراواتی بود که در جلو به شکل پاپیون گره می‌خورد. همراه این لباس‌ها استفاده از انواع کلاه‌های لبه‌دار کوچک و بزرگ عمومیت داشته و جز قسمتی از پوشش جدانشدنی خانم‌های این دوره بود. این لباس‌ها تا پایان دوره‌ی حکومت رضا شاه معمول بود [۱۶و۱].

زنان متدین نوعی پوشاک مورد تأیید گفتمان حاکم را که متضمن پوشاندگی هم بود برای حضور در اجتماع برگزیدند. این لباس‌ها در بیشتر موارد کت و دامن و ملهم از پوشش رایج زنان اروپایی آن زمان اما اغلب بلند و گشاد بود و همراه با جوراب ضخیم و کلاه‌هایی با لبه‌های پهن استفاده شد که تا حد ممکن موها و بخشی از گردن را می‌پوشاند [۲].

در دوره پهلوی دوم محمدرضا شاه بعد از رضا شاه و روی کار آمدن پسرشان دوره محمدرضا پهلوی آغاز شد که هم زمان با جنگ جهانی دوم بود. در این دوره به مدت کوتاهی مردم آزاد بوده تا هر پوششی که می‌خواستند داشته باشند اما این زمان طولی نپایید زیرا که عده‌ایی از بانوان دوباره به سمت حجاب رفته که این موضوع مغایر با برنامه‌های دولت

وقت بوده و به نشانه‌ی عقب ماندگی بوده اما بعد از انقلاب سفید محمدرضا شاه در دوره‌ی پهلوی پوشش اروپایی ترویج پیدا کرده و در بازار ایران دارای جایگاه شده. ایرانیان از طراحان و خیاطان فرانسوی تقلید می‌کردند، که به مرور زمان تغییرات مهمی در لباس و پوشاک در ایران به وجود آوردند [۱].

در دوره پهلوی دوم و پس از خاتمه‌ی درگیری ایران در منازعات جنگ جهانی، ارتباط سهل تر با دنیای غرب و به خصوص آمریکا، دروازه‌های فرهنگی غرب را بر ایران گشود و انواع پوشاک مد روز آن سرزمین‌ها در ایران نیز عرضه و توسط زنانی که تمایلات دینی کمتری داشتند، استفاده شد. گسترش فضاهای ارتباطی در این دوره به تنوع روزافزون پوشاک مد روز منجر شد و به تدریج، کار به جایی رسید که پوشاک رایج زنان شهری ایرانی اغلب منطبق بر الگوهای سالن‌های مد اروپا و آمریکا بود. مرور تصاویر برجا مانده از سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، نشانگر تنوع لباس زنان در دوره‌های مختلف و متأثر از سالن‌های مد آمریکایی و لباس‌های با یقه انگلیسی بزرگ و سرشانه‌های پهن و کمرهای تنگ و چسبان، دامن‌های گشاد و چین دار با قد روی زانو، پیراهن با کمرهایی تنگ و با آستین یک تکه (آستین رگلان)، دامن‌های راسته و تنگ تا زیر زانو با کت‌های تنگ و چسبان و بلند یا کوتاه و با یقه‌های آرشال، کت‌های تنگ و چسبان با دامن‌های چین‌دار پلیسه، کت و شلوار زنانه، پیراهن‌های بالانته کوتاه و دامن بالای زانو، دامن‌های بسیار بلند تا قوزک پا، متوسط تا ساق پایا زانو و بسیار کوتاه، پیراهن و شلوار یکسره بی‌آستین و

به گفته‌ی صدیقه دولت آبادی، انواع لباس را در تناسب با اوقات گوناگون، معرفی می‌کند:

لباس بعد از ظهر متناسب هر فصل از پارچه‌های ابریشمی ساتن، ژورژت، کرپ، مخمل با رنگ و طرح مختلف، آستین بلند یا نیمه‌آستین همراه با کلاه حصیری و کفش پاشنه بلند یا پاشنه آمریکایی برای حضور در میهمانی‌ها، لباس شب نشینی، اپرا یا باله‌های مجلل لباس‌های بی‌قه و بی‌آستین همراه با گران‌ترین جواهرات.

در میهمانی‌های شب خودمانی‌تر، لباس‌های ساده‌تر با کفش‌های روباز پاشنه بلند از چرم نقره یا ابریشم هماهنگ با رنگ لباس،

لباس صبح معمولی و غیررسمی از پارچه‌ی کتان، نخی، پشمی یکپارچه بلند یا بلوز و دامن یا نیم تنه و دامن. بی‌آستین در هوای گرم و یا با آستین بلند در سایر مواقع همچون زمان خرید و گردش.

همچنین لباس‌های سواری، شکار و ورزش باید از پارچه‌های ضخیم و بادوام بوده با کفش پاشنه‌کوتاه روبرسته و بارنگ کیف و کلاه و دستکش هماهنگ باشد [۱۹ و ۲۰].

پالتو و مانتو که مانتو در فصول بهار و پاییز از پارچه‌های ابریشمی و نخی و پشمی تهیه شود و پالتو که در فصل زمستان در مواقع گردش و کار استفاده می‌شود، یقه بزرگ و جیب دارد و اغلب با شالگردن ابریشمی یا پشمی و کلاه به رنگ آن در رنگ و نقش متنوع استفاده می‌شود. رنگ لباس زیر پالتو باید بارنگ پالتو هماهنگ باشد. زیرپوش از پارچه‌های پنبه، ژرسه و ابریشمی به رنگ‌های متفاوت و

مزین به رودوزی‌ها تهیه می‌شود [۲۱].

رکاب‌دار و شلوار گشاد جین و دامن شلواری. همچنین از انواع کیف و چکمه و شال و دستمال گردن نیز استفاده می‌شد. البته با لغو قانون کشف حجاب در دوره‌ی پهلوی دوم، زنان این فرصت را یافتند تا همچنان از پوشش اسلامی و نیز چادر استفاده کنند درحالی که خوانندگان و بازیگران سینما، پوشاک مد روز را بر تن داشتند و تصاویر آن‌ها در فیلم‌ها و نیز مجلات و روزنامه‌ها منتشر و الگوی پوشاک زنان می‌شد. به این طریق و علیرغم وجود امکان استفاده از پوشاک سنتی، سلیقه‌ی ایرانی-اسلامی در پوشاک زنان در گفتمان حاکم این دوره طرد و به حاشیه رانده شد. بدین ترتیب، سیاق پوشاک رایج وغالب زنان غیرمذهبی در اواخر دوره‌ی پهلوی دوم که تابعی از پدیده‌ی مد بود، به مثابه ظهور یک ذائقه‌ی جمعی نوظهور در پوشاک زنان ایران، تابعی از الگوهای دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آمریکا و اروپا شد [۲۲].

در طول این دوره گرایش‌های مد روند اروپایی را دنبال می‌کردند زیرا اولین طراحان در ایران از فرانسه و انگلیس آمدند و تأثیرات آن‌ها لباس ایرانی را شکل داد و منجر شده که طول و عرض چادرها به اندازه کوچک درآمد مانند روسری، شلوار به جوراب شلواری تغییر کرد، شلیته، دامن کوتاه و شلوار تبدیل به لباس‌های بلند مد روز شده، به جای ارخالق شروع به استفاده از جلیقه، بلوز و ژاکت دوخت اروپایی کرده، به جای پارچه‌هایی چون مخمل از پارچه‌هایی مانند: ساتن، کرپ، ژورژت و... استفاده می‌کردند [۲۰ و ۲۱].

دهه ۳۰ خورشیدی را می‌توان اوج فعالیت روشنفکران و نوگرایان ایرانی نامید. در این سال‌ها بسیاری از فیلمسازان ایرانی توجه عموم را به خود جلب کردند و اکران فیلم‌های خارجی در ایران باعث ایجاد تغییرات بیشتری در سطح فرهنگ و پوشش شد.

خیابان لاله‌زار زمانی پاتوق نوگرایان بود. این خیابان یکی از خیابان‌های مهم خرید پارچه و پوشاک اروپایی و مد روز به شمار می‌آمد. در واقع تجمل‌گرایی نیز در این خیابان به وضوح دیده می‌شد.

استفاده از پوست و خز حیوانات در تهیه لباس‌های گران قیمت در دهه ۳۰ بیشتر شده بود. همچنین دستکش چرم آنقدر در میان خانم‌ها و آقایان محبوب بود که بسیاری از خانم‌ها با پیراهن مجلسی خود دستکش چرم نیز استفاده می‌کردند. ناگفته نماند که جراحی زیبایی به‌خصوص جراحی زیبایی بینی در آن دهه شناخته‌تر شد و مورد استقبال بسیاری قرار گرفت.

در دهه ۴۰ خورشیدی طراحی جواهرات و زیورآلات با موفقیت بیشتری روبه‌رو شد که این تنوع و زیبایی را می‌توانید در جواهرات و زیورآلات دربار پهلوی مشاهده کنید. این طراحی جواهرات ترکیبی از مدل جواهرات شرقی و غربی بود که در آن زمان حتی توجه مجله مد و فشن ووگ را نیز به خود جلب کرد. مدل لباس و زیورآلات خانم‌ها و آقایان در دهه ۴۰ توجه بسیاری از خبرنگاران مجله ووگ را به خود جلب کرده بود.

اگر بخواهیم به طراحی خاصی در آن دهه اشاره کنیم، بدون شک لباس گل‌گلی، پلنگی و پولکی از مهم‌ترین و

محبوب‌ترین طراحی لباس‌های آن دوره محسوب می‌شوند. خانم‌ها با الگوبرداری از مدل مجله‌ها علاقه بسیاری به کاهش وزن پیدا کردند، در نتیجه کمر لباس‌ها تنگ‌تر شد و استفاده از اکسسوری همچون کمر بند زنانه رایج شد.

معنای لباس در طول تاریخ پسامدرن به شدت دستخوش تغییر شد اما باوجود مفهوم عقلانیت ابزاری در مدرنیته، پوشاک در هیچ زمانی بی‌معنا یا غیرنمادین نشد. هر نوع پوشاک، افراد را به یک گروه منتسب و نشان‌های از یک هویت می‌کند که مثال آن لباس گروه‌های هیپی و پانک با هویت ویژه آن‌ها است که توسط گروه‌های اجتماعی دیگر نیز استفاده شد. این نوع لباس‌ها پس از مدتی کارکرد هویتی خود را از دست داده و دارای کارکردی زیبایی شناختی می‌شود و درحالی که معنای پیشین خود را از دست داده همچنان به عنوان قالبی زیباشناختی از آن استفاده می‌گردد [۱۹و۲].

در آغاز دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، مجلات و ژورنال‌های غربی سهم عمده‌ای در مدگرایی جامعه به عهده داشتند، جریان رسمی نشریات وابسته به رژیم پهلوی: مثل زن روز، اطلاعات جوانان و غیره این موج را تقویت می‌کردند. از سوی دیگر گروه‌های پانک، هیپی‌ها، آرایش موی مخصوص بیتل‌ها، جوانان شهرنشین ایرانی را تحت تاثیر قرار داده بود. مدل لباس هیپی‌های غربی مورد استقبال ایرانیان نیز قرار گرفت. بیشتر پیراهن‌ها و بلوزها رنگی بودند و طرح گشاد داشتند. در آن سال‌ها بسیاری از پیراهن‌های مردانه با سوزن دوزی بلوچی طراحی می‌شد و این طرح آنچنان محبوب بود که برای دوره‌ای حتی در مراسم‌های رسمی به

جای استفاده از پاپیون و کروات از پیراهن مردانه سوزن دوزی شده بهره‌مند می‌شدند.

سوزن دوزی سیستان و بلوچستان جزء آثار و هنر مهم ملی محسوب می‌شود که برخلاف تصور این طرح‌ها نه از طبیعت، بلکه از خواب و رویا الهام گرفته می‌شود. در این سال‌ها سوزن دوزی بلوچستان یکی از طرح‌های محبوب در میان طراحان ایرانی قرار دارد.

اواخر دهه ۵۰ خورشیدی و با پیروزی انقلاب اسلامی، تغییرات عمده‌ای بر پوشش خانم‌ها و آقایان ایجاد شد. عمده این تغییرات در دهه ۶۰ و دوران جنگ به وضوح دیده می‌شود. از این رو تحولات سیاسی و مذهبی باعث دگرگونی مد در ایران شد.

در اواخر دوره‌ی پهلوی دوم، گونه‌های پوشاک رایج در غرب در دهه‌ی ۱۹۶۰ متأثر از گروه‌های هیپی و پانک در ایران دیده می‌شد که نشانه‌ی بارز آن، عدم تبعیت از قواعد معمول از جمله همگونی پوشاک زنان و مردان در این نوع پوشاک بود به نحوی که بلوز و شلوار می‌توانست هم برای زنان و هم برای مردان استفاده شود. از میان رفتن نظم پیشین که یک اصل در طراحی لباس دانسته می‌شد در لباس‌های این دوره، یکی از ممیزات اصلی بود و از این رو در نوع رنگ و ساختار لباس تغییرات جدی به وجود آمد و مد لباس آمریکایی به جامعه‌ی ایران راه یافت و در پوشاک زنان نیز به ظهور رسید. در این دوره استفاده از پوشاک اروپایی و آمریکایی، همراهی با جدیدترین مد‌ها در فرهنگ غرب، تلقی و از برخی دیدگاه‌ها نشانه‌ی پیشرفت دانسته شد. استفاده از لباس‌ایی به سبک اروپایی و آمریکایی، به

زنان طبقات غیرمذهبی اختصاص داشت و زنان مذهبی شهری گرچه ممکن بود از همان لباس‌ها در برابر محارم استفاده کنند، اما همچنان خود را در برابر نامحرمان معمولاً با چادر می‌پوشاندند [۲۰۱].

به این ترتیب، پوشاک زنان شهری ایرانی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ از منظر نشانه‌شناسی به دو گروه تقسیم شدنی است: گروه اول پوشاکی که از زمان پهلوی اول رواج یافت و به تدریج با تبعیت از تغییرات مد در اروپا و آمریکا به روز شده بود. این نوع پوشاک از منظر طبقات مذهبی و سنتی، نماد فرهنگ غیردینی و از منظر گفتمان حاکم، مظهر نوگرایی، زیبایی و پیشرفت بود. گروه دوم، پوشاک اسلامی و غالباً چادر که از منظر طبقه‌ی مذهبی نشان دینداری و تقید به سنت‌ها و از منظر گفتمان حاکم، مظهر عقب‌ماندگی دانسته می‌شد. بر این اساس بود که دین و قدرت نقش مؤثری در ساختار و نوع پوشاک زنان داشت، لباس غربی زنان، متأثر از ذائقه‌ی مدرن گفتمان حاکم بود و لباس سنتی و پوشش اسلامی زنان متأثر از ذائقه‌ی ملی و دینی گفتمان رقیب [۲۰۱].

پهلوی در دوره‌ی دوم در خصوص پوشاک زنان، دختران شایسته که در مراسمی در ایران و ملهم از برنامه سالانه‌ای به همین نام در کشورهای غربی برگزار می‌شد و دختران با خصوصیات ظاهری ویژه‌ای را به طور سالانه معرفی می‌کرد از یک سو و خوانندگان و بازیگران زن از سوی دیگر، عوامل تأثیرگذاری بودند که نوع پوشاک مورد نظر گفتمان حاکم را ترویج می‌کردند. ساختار و نوع پوشاک زنان در دوره‌ی دوم پهلوی به ظرافت تبلیغ می‌شد. برای نمونه، مجلاتی

همچون زن روز، اطلاعات هفتگی و غیره. همچنین تلویزیون با نمایش با تصاویر زنان در الگوهای پوششی موردنظر، بر پوشاک مد روز تأکید داشتند. از سوی دیگر گسترش سینماها و استقبال مردم از آن‌ها و نمایش فیلم‌هایی که در آن‌ها زنان بدون داشتن حجاب ظاهر می‌شدند، به ترویج بی‌حجابی مبادرت می‌شد به نحوی که سینما به مثابه ابزار تبلیغ متولیان فرهنگی رژیم عمل می‌کرد [۲].

در دوره‌ی پهلوی بانوان در مراسم دختر شایسته شرکت داشته و در تعدادی از این مراسم دارای مقام شده‌اند. بانوانی که دارای مقام شده عبارت‌اند از: شَهلا وَهَّاب‌زاده در سال ۱۹۶۷/۱۳۴۶ به مقام سوم رسید. الهه عَضُدی در سال ۱۹۶۸/۱۳۴۷ به مقام اول رسید. رویا روحانی مقدم در سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲ به مقام دوم رسید. شهره نیک‌پور در سال ۱۳۵۴/۱۹۷۵ به مقام اول رسید.

افسانه بنی‌اردلان در سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷ به مقام چهارم رسید.

دوره‌ی پهلوی با انقلاب جمهوری اسلامی به پایان رسید و ایران پس از ۲۵۰۰ سال پادشاهی وارد دوره‌ی جدیدی شد.

در سال ۱۳۵۷ ه.ش انقلاب جمهوری اسلامی به پیروزی رسید و بار دیگر ایران وارد تغییرات پوششی شد. طرفداران روح الله خمینی برای اعلام مخالفت‌شان با سلطنت پیش از ورود ایشان شروع به پوشیدن چادر کرده. با ورود وی به کشور بعد از حدود یک ماه در اسفند ۱۳۵۷ حجاب برای تمامی اقشار با دین‌های متفاوت شروع به اجباری شدن نمود [۲۰ و ۲۱].

در اواخر دهه‌ی ۵۰ مَدی که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد پیش از اجباری شدن حجاب را می‌توان به روشنی در نوع پوشش پیش از انقلاب رهبران انقلاب اسلامی دید. مُد ساده و بی‌آلایش. موی بلند، عینک‌های فریم کائوچویی، شلوارهای پاچه‌گشاد، پیراهن‌های یقه‌باز و کت‌هایی که یقه آن‌ها روی پیراهن پخش می‌شد، مهم‌ترین المان مدل‌های دهه‌ی ۵۰ بود.

عده‌ایی از بانوان جامعه از چادر استفاده کرده اما عده‌یی دیگر از ترکیب مدهای اروپایی با پوشش اسلامی استفاده می‌نمودند. بانوان ایرانی که عده‌ایی از آنان علاقه چندانی به حجاب و پوشش با چادر نداشتند شروع به ساخت سبکی برای خودشان نمودند.

تحولات سیاسی و جنگ تحمیلی در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد لباس‌ها رنگ و بوی ساده و به دور از مد و فشن غربی بگیرند. در آن سال‌ها استایل آقایان و خانم‌ها به لباس‌های اسلامی نزدیک‌تر شد و مشکلات جنگ باعث شد که افراد کمی به فکر لباس‌های غربی و مد و فشن باشند. از این رو در آن سال‌ها عمده لباس‌ها ساده و به دور از تجمل بود [۱].

خانم‌های با مانتوهای بلند و اِپُل‌دار و روسری‌های ساده ظاهر شدند و چادر دوباره به کمد لباس‌ها بازگشت. به مرور زمان عموم لباس‌های مردانه و زنانه رنگ و بوی اروپایی خود را از دست داد و حالتی شرقی و اسلامی‌تر به خود گرفت. با شروع جنگ، مدگرایی محدود شد و صنعت مد و فشن در حاشیه قرار گرفت. ظاهر لباس خانم‌ها و آقایان ساده‌تر و پوشیده‌تر از سال‌های گذشته شد. با این حال پس

از پایان جنگ، مدگرایی باز هم مورد توجه قرار گرفت که نقش ویدیو و ماهواره بی تاثیر نبوده است.

دهه ۷۰ باز هم نقطه شروع صنعت مد و فشن در ایران بود. شلوار جین جایگزین شلوار ساده و تیشرت طرح‌دار جایگزین پیراهن ساده شد. مانتوی خفاشی و روسری‌های طرح‌دار و رنگی از لباس بازیگران سریال‌های تلویزیونی الهام گرفته شده است.

با پیشرفت تکنولوژی و حضور کامپیوتر و اینترنت در خانه‌های ایرانی، تغییرات مد از سال‌های گذشته بیشتر شد. در آغاز دهه ۸۰ ردپایی از مد و فشن روز جهانی به چشم می‌خورد که در آن سال‌ها زمانی که یک رنگ یا یک مدل لباسی مد می‌شد، اکثر دختران و پسران جوان همان رنگ و مدل لباس را به تن می‌کردند. در این دهه اندک اندک مردم دوباره به سمت پوشش‌های غربی کشیده شده و از آن‌ها در پوشش خود استفاده می‌کردند [۲۰].

اما در دهه ۹۰ خورشیدی فعالیت طراحان ایرانی و در نتیجه تنوع لباس زنانه و مردانه بیشتر شد. در نتیجه الگوی لباس تنها از مد و فشن اروپا و آمریکا حاصل نمی‌شد و بسیاری از لباس‌ها رنگ و بوی شرقی و نزدیک به فرهنگ ایرانی گرفت. این پیشرفت طراحی لباس در ایران روز به روز بیشتر می‌شود و برندهای معتبر و موفق ایرانی نه تنها در کشور، بلکه در سراسر دنیا مورد توجه قرار می‌گیرد.

در مجموع پوشش در تاریخ جدید خود همواره ترکیبی از هویت ایرانی و اسلامی و همچنین غربی است که هویت ایرانی معاصر را ساخته است. پوشاک در فرهنگ اصیل ایرانی از تنوع بسیار زیادی برخوردار است. سابقه‌ی این

فرهنگ غنی را باید در سنت‌های پوشش مردم مناطق مختلف جستجو کرد. لباس‌های سنتی به دلیل تنوع و زیبایی خاصی که دارند می‌توانند منبع قالب توجهی از الهام برای طراحان و هنرمندان باشند و حفظ آن‌ها به عنوان بخشی از میراث فرهنگی یک کشور باعث افزایش اعتماد به نفس ملی و جلوگیری از بی‌هویتی نسل جوان می‌شود [۲۱].

این پژوهش برای ایجاد یک منبع منسجم از تغییرات پوششی بانوان ایران از دوره‌ی پهلوی و جمهوری اسلامی است و همچنین بررسی عوامل موثری که باعث این تغییرات شده است، که تا کنون پژوهشی در این حوزه موجود نبوده است.

### ۳- مواد و روش‌ها

این پژوهش که به روش اسنادی و توصیفی-تحلیلی انجام شده است سبک‌های لباسی که در دوره‌ی معاصر مورد استفاده قرار می‌گرفته است را با توجه به تصاویر موجود از آن دوره مورد بررسی قرار داده و آن‌ها را طبقه‌بندی کرده و بعد به اولویت بندی عوامل تاثیر گذار در پوشش بانوان ایران پرداخته تا تاثیرات و تغییرات آن بر پوشش را بررسی کند.

با توجه به پژوهش و اطلاعات جمع آوری شده، ۱۶ مورد که تصور می‌شود بیشترین تاثیر را داشته که به شرح زیر است:

- ۱- رویدادهای اجتماعی، ۲- رویدادهای اقتصادی، ۳- رویدادهای فرهنگی، ۴- رویدادهای مذهبی، ۵- رویدادهای سیاسی، ۶- رویدادهای هنری، ۷- صنعتی‌سازی، ۸-

در زمان حال (در سال ۱۴۰۰) و دسترسی آسان تر برای افراد باشد.

جامعه‌ی آماری این پژوهش ۹۷۰ نفر متخصص در حوزه‌ی مد و پوشش در استان تهران است که تعداد افراد را از سازمان دبیرخانه کارگروه ساماندهی مد و لباس گرفته شده است و بر اساس فرمول کوکران در سطح خطای ۵٪، حجم نمونه‌ی ۲۷۵ نفری انتخاب شده است.

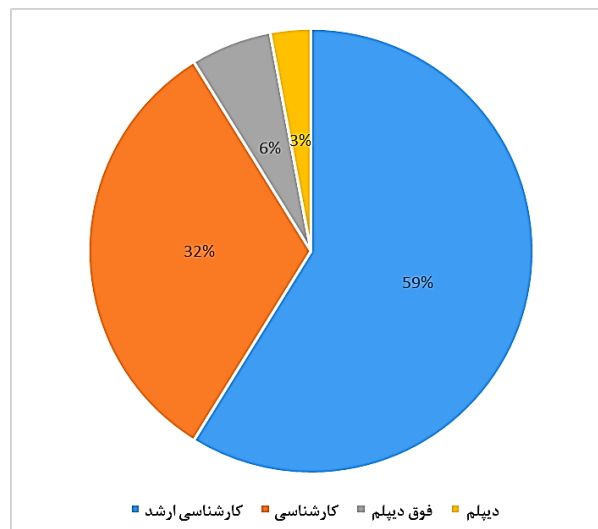
در ادامه با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری MADM به روش Topsis Fuzzy استفاده نموده است تا بررسی‌های آماری انجام شود.

#### ۴- نتایج و بحث

بر اساس نمودار (۱)، ۵۹٪ از کارشناسان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۹۷٪ آنان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند.

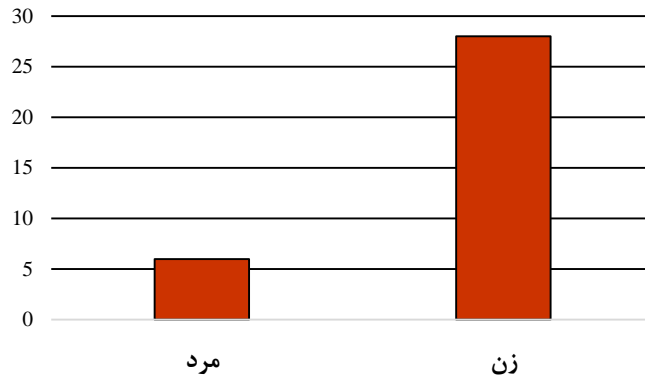
غرب‌گرایی، ۹- مد روز در دنیا، ۱۰- فمینیسم، ۱۱- کشف حجاب، ۱۲- قیام پانزده خرداد، ۱۳- انقلاب اسلامی، ۱۴- ملی شدن صنعت نفت، ۱۵- گشت ارشاد، ۱۶- شهرنشینی. با این موارد، پرسش‌نامه‌ی را طرح کرده و با ارائه‌ی آن به افراد متخصص در حوزه‌ی طراحی لباس تا پاسخ بدهند و عوامل موثر بر تغییر مد و پوشش بانوان ایران مورد بررسی قرار داده شود و اولویت‌بندی کرده تا به این نتیجه دست یافته که کدام مورد یا موارد بیشترین تاثیرات را داشته‌اند. پرسشنامه با پنج گزینه از بسیار زیاد تا بسیار کم مورد سوال قرار گرفته است تا پاسخ‌دهندگان نظر خود را با راحتی بیشتری بیان نمایند.

توزیع پرسش‌نامه به صورت الکترونیکی ساخته شده و در اختیار اشخاص قرار گرفته است که با توجه به وضع موجود



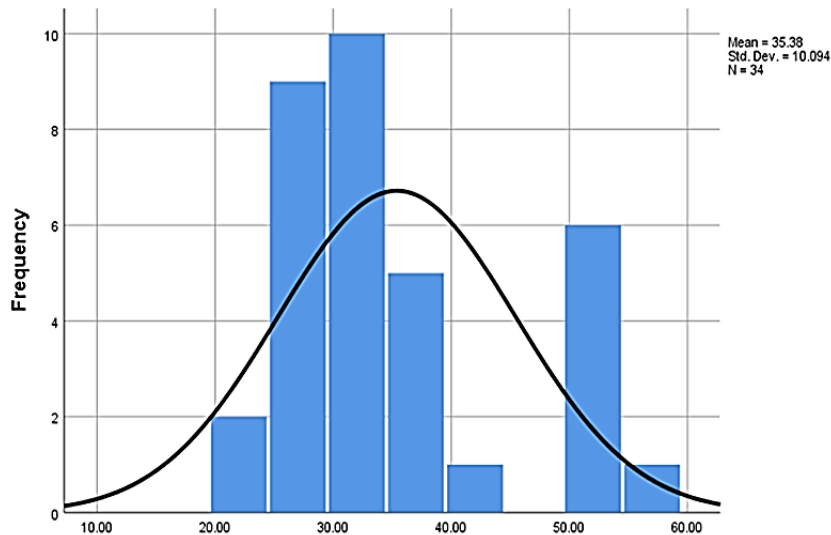
شکل ۱- ترکیب تحصیلی متخصصان مورد پرسش (منبع: محمد ماهی‌دشتی، ۱۴۰۰)

۲۸ نفر از پاسخگویان معادل ۸۲٪ از آنان زن بوده‌اند (نمودار ۲).



شکل ۲- جنسیت متخصصان مورد پرسش (نفر) (منبع: همان)

این کارشناسان در بازه‌ی سنی ۲۲ تا ۵۵ سال قرار داشتند و میانگین سنی آنان ۳۵ سال بود، اما ۶۴٫۷٪ آنان کمتر از میانگین سن داشتند که در نمودار (۳) نشان داده شده است.



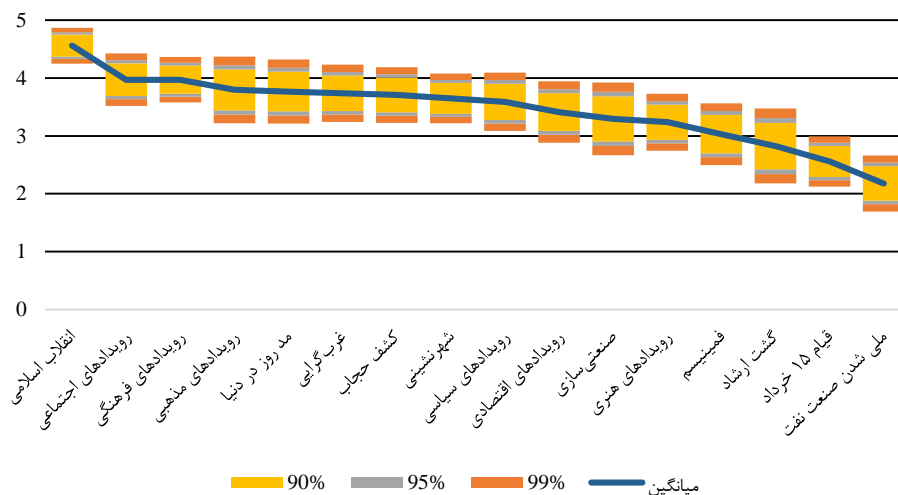
شکل ۳- توزیع سنی متخصصان مورد پرسش (نفر) (منبع: همان)

بررسی نظرات کارشناسان نشان می‌دهد که رویداد انقلاب اسلامی بیشترین تأثیر را بر مد و پوشش بانوان ایرانی داشته است. سایر رتبه‌ها در جدول (۱) قابل مشاهده هستند. انجام آزمون آماری برابری میانگین‌ها با عدد صفر نشان می‌دهد که آماره‌های t همگی با p-value های ۰/۰۰ حاکی از معناداری میانگین‌ها هستند و می‌توان در سطح ۹۹٪ به اعداد آن‌ها اعتماد کرد. نمودار (۴) میانگین هر یک از رویدادها را در سطوح اعتماد ۹۹٪، ۹۵٪ و ۹۰٪ نشان می‌دهد.



جدول ۱- میانگین اثر متغیرهای مختلف بر تغییر مد و پوشش بانوان ایرانی در ۱۰۰ سال اخیر از دیدگاه متخصصان پوشش (منبع: همان)

رویدادها	میانگین	آماره ی t	درجه ی آزادی	sig.
انقلاب اسلامی	4.56	40.266	33	0.000
رویدادهای اجتماعی	3.97	23.899	33	0.000
رویدادهای فرهنگی	3.97	27.750	33	0.000
رویدادهای مذهبی	3.97	18.053	33	0.000
مد روز در دنیا	3.76	18.569	33	0.000
غرب گرایی	3.73	20.676	33	0.000
کشف حجاب	3.71	20.965	33	0.000
شهرنشینی	3.65	23.184	33	0.000
رویدادهای سیاسی	3.59	19.438	33	0.000
رویدادهای اقتصادی	3.41	17.585	33	0.000
صنعتی سازی	3.29	14.358	33	0.000
رویدادهای هنری	3.24	18.032	33	0.000
فمینیسم	3.03	15.480	33	0.000
گشت ارشاد	2.82	11.921	33	0.000
قیام ۱۵ خرداد	2.59	16.088	33	0.000
ملی شدن صنعت نفت	2.18	12.333	33	0.000



شکل ۴- بازه ی مورد اعتماد در سطوح تشخیص مختلف برای اثر متغیرها (منبع: همان)

بررسی ضرایب همبستگی بین متغیرها نشان می دهد که "غرب گرایی" بیشترین مجموع ضرایب همبستگی معنادار را با سایر عوامل شامل: ۱. مد روز در دنیا ۷۷,۶٪، ۲. رویدادهای هنری ۵۸,۱٪، ۳. فمینیسم ۵۶,۱٪، ۴. صنعتی سازی ۵۰,۸٪، ۵. شهرنشینی ۴۹,۶٪، ۶. کشف حجاب ۴۸,۴٪، ۷. ملی شدن صنعت نفت ۴۰,۸٪ و ۸. رویدادهای سیاسی ۳۸,۲٪ دارد.

جدول ۲- ضرایب همبستگی معنادار متغیرهای اثرگذار بر مد و پوشش زنان ایرانی (منبع: همان)

نوع رویداد	رویدادهای اجتماعی	رویدادهای اقتصادی	رویدادهای فرهنگی	رویدادهای مذهبی	رویدادهای سیاسی	رویدادهای هنری	صنعتی سازی	غرب گرایی
رویدادهای اجتماعی								
رویدادهای اقتصادی		0.559					0.398	
رویدادهای فرهنگی		0.559	0.409					
رویدادهای مذهبی		0.409						
رویدادهای سیاسی							0.423	0.382
رویدادهای هنری							0.404	0.581
صنعتی سازی		0.398			0.423	0.404		0.508
غرب گرایی					0.382	0.581	0.508	
مد روز در دنیا						0.634		0.776
فمینیسم			0.383					0.561
کشف حجاب	0.598							0.484
قیام ۱۵ خرداد		0.438						
انقلاب اسلامی	0.358							
ملی شدن صنعت نفت						0.411		0.408
گشت ارشاد								
ملی شدن صنعت نفت						0.373		0.496
مجموع	0.956	1.395	1.351	0.409	0.805	3.308	1.733	4.196

جدول ۳- ضرایب همبستگی معنادار متغیرهای اثرگذار بر مد و پوشش زنان ایرانی (ادامه) (منبع: همان)

نوع رویداد	مد روز در دنیا	فمینیسم	کشف حجاب	قیام ۱۵ خرداد	انقلاب اسلامی	ملی شدن صنعت نفت	گشت ارشاد	شهرنشینی
رویدادهای اجتماعی			0.598		0.358			
رویدادهای اقتصادی				0.438				
رویدادهای فرهنگی		0.383						
رویدادهای مذهبی								
رویدادهای سیاسی								
رویدادهای هنری	0.634	0.502	0.403			0.411		0.373
صنعتی سازی								
غرب گرایی	0.776	0.561	0.484			0.408		0.496
مد روز در دنیا			0.489	0.544				0.396
فمینیسم	0.544							
کشف حجاب	0.489							
قیام ۱۵ خرداد					0.624			
انقلاب اسلامی								
ملی شدن صنعت نفت				0.624				
گشت ارشاد								
شهرنشینی	0.396							
مجموع	2.839	1.99	1.974	1.062	0.358	1.443	0	1.265

بر اساس ماتریس ضرایب همبستگی، غرب‌گرایی، رویدادهای هنری و مد روز در دنیا، پایه‌های هرمی هستند که بر رأس آن دو پدیده‌ی فمینیسم و کشف حجاب به وجود آمده‌اند. کشف حجاب، رویدادهای اجتماعی و نهایتاً انقلاب اسلامی را برانگیخته و فمینیسم منجر به برانگیختگی رویدادهای فرهنگی و نهایتاً رویدادهای مذهبی شده است. به نظر می‌رسد که در ایران رویدادهای اقتصادی (کشف نفت) برونزا بوده و منجر به ملی شدن صنعت نفت و صنعتی‌سازی و نهایتاً رویدادهای سیاسی شده است که طبق نمودار (۱) آثار کم‌تری بر تغییر مد و پوشش بانوان ایرانی داشته‌اند. گشت ارشاد متغیری نبوده که بتواند با سایر متغیرها رابطه‌ی معناداری داشته باشد.

با توجه به تاریخ اتفاقات مهم در ایران در قرن ۱۴ به شانزده رویداد که به نظر آمده که مهتر هستند و همچنین احتمال داده می‌شد که میزان تاثیرگذاری بیشتری در طول قرن بر پوشش و مد بانوان ایران را دارا بوده است انتخاب شده را دسته بندی کرده و آن‌ها را در پرسش‌نامه قرار داده که پاسخ‌دهندگان نظرشان را بیان نموده که کدام یک از موارد و رویدادها تاثیرگذاری بیشتری را داشته است.

سوالاتی که در این پژوهش بیان شده بود شامل: ۱- شروع تغییرات اساسی در پوشش در قرن ۱۴ از چه زمانی بوده است؟

تغییرات کوچک از انتهای قرن ۱۳ در دوره ی قاجار آغاز شد و اما تغییرات اساسی ابتدا در زمان رضا شاه بود که متحدالشکل شدن لباس مردم و همچنین کشف حجاب را به صورت قانون در آورده و تغییر بعدی در این قرن بعد از

انقلاب اسلامی و بازگشت حجاب برای بانوان بود. ۲- آغاز تغییرات لباس بانوان در قرن ۱۴ به چه شکل صورت گرفت؟ با سفر رضا شاه به ترکیه و مشاهده‌ی بانوان بدون حجاب در جامعه که پا به پای مردان در جامعه و کار حضور داشتند عاملی شد که رضا شاه در صدد حتمی کردن کشف حجاب بانوان برآید. ۳- انواع سبک های پوشش بانوان در قرن ۱۴ به چند دسته تقسیم می شوند؟

انواع پوشش به صورت مفصل در داخل پژوهش موجود است اما به صورت خلاصه میتوان بیان کرد که بعد از کشف حجاب د زمان رضا شاه بانوان از پوشش و مد غربی استفاده می‌نمودند که در دوری محمدرضا شاه نیز ادامه داشته و بعد در دوره‌ی جمهوری اسلامی بازگشت حجاب که چادر و مانتوهای بلند بود و با گذر زمان حجاب بسیار متنوع تر شد و از الگوها و مد روز در دنیا الهام گرفته شد.

۴- کدام یک از وقایع تاریخی بیشترین تاثیر را بر تغییر پوشاک بانوان داشته است؟ (با ارایه الویت‌بندی وقایع)

با توجه به نتایج آماری پرسش‌نامه انقلاب اسلامی با فاصله‌ی نسبی از دیگر تحولات، بیشترین تأثیر را بر مد و پوشش بانوان ایرانی در ۱۰۰ سال اخیر داشته است. پس از آن رویدادهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی قرار دارند و پس از آن‌ها مد روز در دنیا و غرب‌گرایی، مد و پوشش بانوان ایرانی را متأثر کرده‌اند. سه عامل غرب‌گرایی، مد روز در دنیا و رویدادهای هنری بیشترین مشابهت را با هم در مورد اثرگذاری بر پوشش و مد بانوان ایرانی دارند همچنین صنعتی شدن و رویدادهای سیاسی نیز اثر مشابه دارند. کشف حجاب، رویدادهای اجتماعی و انقلاب اسلامی نیز در

یک گروه قرار می‌گیرند. رویدادهای اقتصادی، فرهنگی، قیام ۱۵ خرداد و ملی شدن صنعت نفت هم مشابه هستند. با توجه به رویدادها و عواملی که در پرسش نامه مورد بررسی قرار داده شده است وقوع انقلاب اسلامی بیشترین میزان تاثیرگذاری را در تغییرات پوشش داشته است.

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی باعث شد که بانوان ایرانی تغییرات فراوانی در پوشش خود اعمال کنند با توجه به این که در دوره‌ی قبلی یعنی در زمان پهلوی حجاب برداشته شده بود و مد و پوشش بانوان از نقاط مختلف جهان که مد روز را ارائه می‌نمودند استفاده نماید و بر پایه‌ی آن پوشش خود را انتخاب می‌نمودند تا با مد روز همخوانی داشته باشند اما بعد از وقوع انقلاب اسلامی دیگر پوشش با مد روز معنایی نداشت. زیرا که بانوان باید پوشیده لباس می‌پوشیدند تا بر اساس قوانین اسلامی باشد که بیشترین پوشش انتخابی

چادر سیاه بود البته که از مانتوهای بلند و گشاد اپل‌دار نیز که همراه با روسری های بزرگ یا مقنعه استفاده می‌شد. رفته رفته با گسترش رسانه های اجتماعی، اینترنت و... که عاملی بود برای برقراری ارتباط با دنیای مد در جهان شد. جامعه با مد روز آشنا تر شده و علاقه پیدا کرده که خود را با آن سازگاری دهد اما به سبک اسلامی و این‌گونه شده است که امروزه (در سال ۱۴۰۰ ه.ش) ترکیبی از لباس های مد روز دنیا را به صورت اسلامی درآورده و پوشش‌های متنوعی را در خیابان‌های ایران مشاهده می‌کنیم.

در دنیای مد و پوشش ایرانی اسلامی افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند تعداد زیادی به تقلید از برند های خارجی می‌پردازند و خلاقیت خود را به کار نمی‌گیرند البته که تعدادی از برندهای ایرانی با استفاده از المان‌های پوشش ایرانی از پوشش‌های گذشته الهام گرفته و آن‌ها را به صورت عرف اسلامی به طراحی در آورده و تولید می‌کنند.

#### ۶- منابع

[۴] جنکینز، ر، هویت اجتماعی، تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۱.

[5] Motamedi, M, Effect of Reza Shah Modernity on the Political Opposition Development, Mediterranean Journal of Social Sciences MCSER Publishing, Rome – Italy, 2016.

[6] Saedi, E, Using Clothing to Unify a Country: The History of Reza Shah's Dress Reform in Iran, International Textile and Apparel Association, 2013.

[7] Chehabi, H, Standing the emperor's new clothes: dress codes and nation building under Reza shah, Iranian studies journal, 2007.

[1] Junaid Asghar, T, Good hijabi, bad hijabi: The politics of women's clothing in Iran, Journal of Georgetown university Qatar, 2015.

[۲] یاسینی، ر، سیاست های گفتمانی پوشاک بانوان در ایران در دوره پهلوی اول (آمرانه) و دوم (اشاعه گرایانه)، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ ارتباطات- شماره ۵۲، ۱۳۹۹.

[۳] ورجاوند، پ، پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.

- [۸] غیبی، م، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، هیرمند، ۱۳۸۵.
- [۹] ترتر، ر، تاریخ لباس ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان جهان، توس، ۱۳۹۶.
- [۱۰] نیازمند، ر، رضا شاه از تولد تا سلطنت، علم، ۱۳۸۷.
- [۱۱] آبراهامیان، ی، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، کاظم پیروزمند، مرکز، ۱۳۹۵.
- [۱۲] رستمی، پ، اجتماعی شدن بانوان در عصر پهلوی اول، امکان یا امتناع (۱۳۲۰-۱۳۰۴)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ۱۳۹۸.
- [۱۳] محمدی، م، لباس متحدالشکل: بازنمایی قدرت و مدرنیته (دوران پهلوی اول)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ۱۳۹۷.
- [۱۴] جهانی، م، مطالعه‌ی تطبیقی مد لباس بانوان دربار فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار، SID، ۱۳۹۶.
- [۱۵] عرشی، ع، شاخصه‌ها و زمینه‌های تأثیرگذار بر تحولات لباس ایران از لباس اروپا در دوره‌ی دوم قاجار، علوم و فناوری نساجی و پوشاک، ۱۴۰۰.
- [۱۶] موسوی حاجی، ر، تأثیر موج تجددخواهی و جریان نوسازی بر تحول پوشاک ایرانیان (از ابتدای دوره‌ی قاجار تا پایان دوره‌ی پهلوی اول)، SID، ۱۳۹۲.
- [۱۷] نظری، س، پوشاک بانوان در پنج دوره تاریخی پس از ورود اسلام به ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی، ۱۳۹۶.
- [۱۸] زیبا کلام، ص، رضا شاه، روزنه، ۱۳۹۸.
- [۱۹] بویس، م، پوشاک در ایران زمین (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا) مصور، پیمان متین، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- [20] Yadegar Ulugergerli, M, Perception of the Beauty Through the Century in Persian Culture; A Condense Review, The Central and Eastern European Online Library, 2017.
- [۲۱] شفا، م، شناسایی و تحلیل تنوع فرم و رنگ پوشاک محلی بانوان گیلان به منظور بازنمود در طراحی مانتو بانوان جوان ایرانی، علوم و فناوری نساجی و پوشاک، ۱۳۹۷.